

اول از او

استوای آغوش

هاجر وفایی

شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۶۲-۲۰۰۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۰۰۵۵۸
عنوان و نام پدیدآور	: استوای آغوش/نویسنده هاجر وفايي ؛ آثار نقاشي هاجر وفايي ؛ ویراستار جهان بخش اوجی شیرازی.
مشخصات نشر	: شیراز : مؤلفان فرهیخته ، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص.: مصور(رنگی).
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: -- Persian poetry ۲۰th century
موضوع	: نقاشی‌های ایرانی -- قرن ۱۴
موضوع	: * -- Paintings, Iranian ۲۰th century
رده بندی دیویی	: ۶۲/۱۸۸
رده بندی کنگره	: IRI ۸۳۶۳/الف۳/۵/ ۱۳۹۶
سرناسه	: وفايي، هاجر، ۱۳۵۸ -
وضع فهرست نویسی	: فیها

WWW.BOOKCONTAINER انتشارات مؤلفان فرهیخته

شماره خیابان قصرالدشت، روبروی سازمان انتقال خون
تلفن: ۰۷۱-۳۶۲۹۳۱۱ صندوق پستی: ۷۱۳۴۵-۳۳۸۹



نام کتاب : استوای آغوش

شاعر - نقاش: هاجر وفايي

ویراستار: استاد جهان بخش اوجی شیرازی

طراح جلد: مسلم رستمی

ناشر: مؤلفان فرهیخته شیراز

صفحه آرا: پریسا ایزدی

ناظر چاپ : محمد درخشان

چاپخانه : سلمان فارسی

نوبت چاپ : اول

تیراژ : ۱۰۰۰

قیمت : تومان

شابک : ۹۷۸۶۰۰۸۴۶۲۲۰۰

مقدمه	۵
«دور دست خواب»	۹
«بهت»	۱۰
«نگاه ۱»	۱۲
«فاصله»	۱۳
«شنشنگی»	۱۴
«تیسره بوسه»	۱۵
«جیم بستر»	۱۶
«نگاه ۲»	۱۸
«خیال کن که ...»	۱۹
«دل فریب»	۲۰
«نگاه ۳»	۲۲
«زن دو ساله»	۲۳
«حتی از این فاصله»	۲۴
«جینجال»	۲۷
«غیر خاطره»	۲۸
«نگاه ۴»	۳۰
«دختر لده»	۳۱
«تن آسا»	۳۲
«قرار»	۳۳
«گنج»	۳۴
«نگاه ۵»	۳۶
«پرتره»	۳۷
«خواهش سبز»	۳۸
«نگاه ۶»	۴۰
«خیلی ساده»	۴۱
«شمر داغ»	۴۲
«نگاه ۷»	۴۴
«این سو»	۴۵
«مغوی عشق»	۴۶
«نگاه ۸»	۴۸
«آغاز ماجرا»	۴۹
«خطر نچ»	۵۰
«نگاه ۹»	۵۲

«حوالی حال»	۵۳
«قرار تاریک»	۵۴
«زمان نور»	۵۵
«از تو هوشیار»	۵۶
«نگاه ۱۰»	۵۸
«تمام من»	۵۹
«آدامس فلسفه»	۶۰
«نگاه ۱۱»	۶۲
«تعریف ما»	۶۳
«بی لجام»	۶۴
«جا آن وجود»	۶۵
«بی خودانه»	۶۶
«شمور آفتاب»	۶۸
«قواره فهم»	۶۹
«کاری کن»	۷۰
«خیرگی»	۷۳
«بی سابقه»	۷۴
«حوالی هنوز»	۷۷
«بی گناه»	۷۸
«زرد و زره»	۸۱
«طلبه‌ای تقویم»	۸۲
«وری»	۸۳
«حاشی کت»	۸۴
«در غریب تو»	۸۷
«کرانه حضور»	۸۸
«جشن به تماشای»	۹۱
«آب تنی»	۹۲
«پسار»	۹۴
«کرانه خویش»	۹۵
«موسسه»	۹۶
«خیرگی»	۹۸
«تن نما»	۹۹
«چهار سو»	۱۰۰

مقدمه

برداشت ۱

عالم و آدم، گیر سه پیچ داده‌اند به پیچ

شعر/ نقاشی.

چرا؟

قولی‌ست، بی‌خبران جمله در آن حیرانند

از جمله من (این من کیست؟ آیا در ادامه خودبه‌خود مشتت بار می‌شود که هیچکس نیست به نقاش، نه شاعر؟)

تعریف: همانا شعر، نقاشی، نامه، و نقاشی، کلمه تصویر شده است و ...

بابا بی‌خیال، دست بردن از این کلمات و همینا، مثل آدم بگو حرف حسابت چیست؟

برداشت ۲

دلم در حرفی‌ست، مجاله، روی تابلو،

ترکیب احتمالی شعر/ نقاشی

همانا رخداد بی‌رخ، یکنی داد، نه فریاد

فرا داد، اما و به هر حال رویداد.

سهراب سپهری؟

در شعر پر حرف، در نقاشی کم حرف

شاید نه

شاید حسادت دو قلم

قلم مو با مداد؟ نه انگار خودکار بهتر

چون مداد هم می‌نویسد هم می‌طرحد، خودکار، نویسا بیشتر.

گاه شعر، در می‌رود از لای پرز، بی‌ریا و یکرنگ.

گاه هوس می‌کند خودکار، گاز بزند از یک کار، طرح، تصویر، تصور.

برداشت ۳

گالری محض

شنبه‌های مدرن از تو

انگشتان دو رگه ما

تلواسه‌ی میز و نیمکت

اندام پارک‌های هنوز ندیده رنگین پوست

فردای بومی زرد یکسر خلوت تا

لی لی کند باران عصر

برداشت آخر

غریب هم نه باشی مدرن‌شناسیش، یک سر و گردن بلندتر از خودش است، کوتاه‌تر -

اما، وقتی بخوام از شره نقاشیش حرف بزنی، چیزی گنگ‌تر از فروتنی، با

شرمی دختر وار، زیر نگاه عمیق و تمجید. بعضی هنرمندان بعضی دوست‌دار هنر،

دوست ما رفیق گرمابه و گلستان هر طبعی گفتن و نقشیدن است.

وقتی شرمی گوید سکه پول به دست شعرهای خیلی مکش مرگ مای پیچیده

را، وقتی هم نقش می‌زند، بی‌نقش می‌کند سبک‌های خنک تقلیدی را، گرچه

داوینچی، سزار، پیکاسو و پولاک و ... رفق قریب‌اش و سپهری، فروغ، شاملو و

... یاوان بی‌شیلای شعرهایش هستند

به طور اتفاقی زن است، ولی بی‌برو و برگرد، خیلی آدم است

همین، زیاده جسارت است.

جهان‌بخش اوجی شیرازی